

در آینه اسماء و القاب

حضرت صدیقه طاهره(س)، نام ها و القابی دارند که برخی آسمانی اند و از سوی پروردگار تعیین شده و بعضی از سوی برگزیدگان الهی. نام های آسمانی، نه اسم است که در حدیث ذیل آمده است.

امام جعفر صادق(ع) فرمودند:

«برای فاطمه(س) نزد خدای عزّوجلّ، نه اسم است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیه، محدّثه، زهرا».

۱

آنچه این نام ها را برای ایشان فضیلت قرار داده این است که نام های حضرتش حاکی از صفتی والاست که در وی وجود داشته است و چون نام های دیگر افراد نیست که صاحب نام از معنی نام خود هیچ بهره ای نبرده باشد.

ما در زیر، نام ها، لقب ها و کنیه های آن حضرت را به ترتیب حروف الفبا ذکر می نماییم.

۱. امّ الائمه؛ مادر امامان ۲

به موجب روایات نقل شده از سوی شیعه و سنی، نسل پاک پیامبر(ص) به وسیله دخترش به وجود آمده و گسترش یافته است. رسول اکرم(ص) فرموده است:

«پروردگار عزیز و بلند مرتبه، نسل هر پیامبر را در صلب خود آن پیامبر قرار داد، حال آنکه نسل مرا در صلب علی قرار داد.» ۳

آن حضرت چندین بار به دختر عزیزش فرمود:

«ای فاطمه، تو را بشارت می دهم که از نسل تو، یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهند شد و آخرین آنها مهدی(ع) است.»

۲. امّ ابیها؛ یعنی مادر و دل سوز پدرش ۴

کنیه ای است که پدر بزرگوارش، رسول خدا(ص) وی را بدان خواند. پیامبر(ص) در خردسالی مادر را از دست داد و سراسر عمر عزیزش را به سختی گذراند و تا قبل از ازدواج با حضرت خدیجه(س) و حتی پس از آن، پیوسته

مورد آزار مشرکان بود یا در جنگ ها به این سو و آن سو می رفت و دشواری های بسیار تحمل می کرد. پس از تولد دختر عزیزش، فاطمه با اینکه وی کودکی بیش نبود، همواره چون پروانه به گرد شمع، از پدر جدا نمی شد و در رفع اندوه او آنچه می توانست می کوشید و از پدر دل جویی می کرد. اگر آن بزرگوار در جنگی آسیب می دید، فاطمه خردسالش بود که بر زخم و رنج پدر، مرهم می نهاد و بر آرامش و سلامت جاننش اصرار داشت. چون رسول خدا(ص) دل سوزی وی را می دید اشک می ریخت و می فرمود: «او مادر پدرش است.» ۵

«ام» به معنی مادر و اصل و ریشه است و در حقیقت آن بانو را باید مادر نبوت دانست.

امّ ابیها بود آن خوش خصال

چون که بود بانوی کاخ جلال

۳. امّ الحسن، امّ الحسین؛ مادر حسن(ع) و مادر حسین(ع) ۶

امام مجتبی(ع) نخستین فرزند حضرت زهرا(س) است که در پانزدهم رمضان سال سوم هجری در مدینه به دنیا آمد.

پس از حدود یک سال، وجود مقدس حسین(ع) در سوم شعبان سال چهارم هجری به دنیا آمد.

۴. امّ المحسن؛ مادر محسن(ع) ۷

آن حضرت را پنج فرزند بود: حسن، حسین، زینب، امّ کلثوم و محسن(ع). محسن آخرین فرزند آن بانو و اولین شهید اهل بیت(ع) از پیامبر بود که در ماه آخر حمل، سقط شد.

۵. بتول؛ بتول یعنی جدا و ممتاز از دیگران

ابن اثیر در «النهایه» می نویسد:

فاطمه را بتول نامیدند؛ زیرا از زنان زمان خویش او زمان های قبل و بعد خود را از نظر فضیلت و دین و حسب، جدا و ممتاز بود یا آنکه از دنیا منقطع گشته و به خدای تعالی روی آورده بود. ۸

۶. حانیه؛ یعنی آن که با شوهر و فرزندان بسیار مهربان است. ۹

۷. الحر؛ یعنی بانوی آزاد. ۱۰

۸. حصان؛ یعنی پارسا و عقیف. ۱۱

۹. حوراء، حورای انسیه؛ یعنی انسانی زمینی که از حوریان بهشتی است.

[حوریه ای شبیه آدمی] در یکی از معراج های پیامبر اکرم (ص) به آسمان، آن حضرت از میوه ها، خرمای تازه و سیب بهشتی تناول کرد و خداوند متعال آن غذاهای بهشتی را در صلب ایشان قرار داد و هنگامی که از معراج به زمین بازگشتند، حضرت فاطمه (س) در رحم حضرت خدیجه (س) قرار گرفت. بدین سبب حضرت فاطمه (س) حورای انسیه نام گرفت. ۱۲.

۱۰. راضیه؛ یعنی کسی که به تقدیر و قوانین الهی خشنود بود. ۱۳.

این صفت از والاترین درجات ایمان است و آن حضرت در تمام مراحل زندگی، به آنچه که از سوی خداوند متعال از ترس و آزار در راه دین و ظلم و اندوه و غم، برایش مقدر شده بود، رضایت داشت و هیچ گاه از وضع خود گله نکرد.

۱۱. زکیّه؛ به معنی پاک و پاکدامن یا وجود پر برکت است.

قرآن هر یک از این معانی را در سه آیه مختلف بیان فرموده است. در جایی از پاکدامنی و مقام عصمت حضرت عیسی (ع) چنین یاد می کند:

«قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا؛ ۱۴

یعنی جبرئیل به مریم گفت: من فرستاده پروردگار توام تا از جانب او پسری پاکیزه به تو بخشم».

در آیه دیگر آمده است:

«فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيََا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ بِغَيْرِ نَفْسٍ؛ ۱۵

چون خضر آن پسر را کشت، موسی گفت: آیا جوانی پاکیزه و بی گناه را بی آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟»

در جایی دیگر می فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ ۱۶ رستگار شد هر که روان خود را پاک ساخت».

در حقیقت زکیّه به بانویی گویند که از همه ناپاکی های اخلاقی دور باشد و هرگز در وجودش هیچ صفت بد یافت نشود.

۱۲. زهرا؛ یعنی درخشان، نورانی و درخشنده.

از امام صادق (ع) پرسیدند: چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟ فرمود:

«زیرا فاطمه چنان بود که چون در محراب می ایستاد، نوری از او برای اهل آسمان درخشش می کرد، همان طور که ستارگان برای اهل زمین درخشش دارند».

۱۳. سماویه؛ یعنی گرانبها، گوهری آسمانی. ۱۷.

۱۴. سیّده، سیّده نساء العالمین؛ یعنی بزرگ بانوی جهانیان. ۱۸.

شیخ صدوق در کتاب «مالی»، حدیثی را از حضرت رسول خدا(ص) چنین نقل کرده که فرمود:

«دخترم فاطمه، بزرگ بانوی زنان جهان است».

رسول خدا(ص) به دخترش فرمود:

«ای فاطمه، به درستی که خداوند تو را بر همه زنان جهان و زنان اسلام که بهترین دین است، برتری داد.» ۱۹

رسول خدا(ص) از نزدیک بودن وفات خود از طریق وحی با اطلاع شد، دخترش فاطمه را از این موضوع آگاه ساخت و آن بانو گریست. در این حال رسول خدا(ص) به وی فرمود:

«تو اولین کسی از خانواده ام هستی که به من خواهی پیوست. آیا دوست نداری که ارجمندترین زنان بهشت باشی!» ۲۰

۱۵. صدّیقه، صدّیقه کبرا؛ صدّیقه یعنی کسی که در راستگویی کامل است یا آنکه هرگز دروغ نگفته است یا کسی که سخن خود را با عمل خویش تصدیق می کند. ۲۱

مرتبه صدّیقین، در ردیف پیامبران و شهیدان است. این مطلب را آیات بسیاری روشن می کنند که از آن جمله اند:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» ۲۲

اهل تسنّن از عایشه روایتی را چنین نقل کرده اند: ما رأیت احداً اصدق من فاطمه(س) غیر ابیها؛ پس از رسول خدا(ص)، هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم. ۲۳

۱۶. طاهره؛ به معنی پاکیزه، بی عیب، پاک و معصوم.

در حقیقت آیه شریفی که در پاکیزه دانستن اهل بیت نازل شده است، این نام را برای حضرت زهرا(س) ثابت می کند. خدای تعالی در آیه ۳۳ سوره احزاب می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»

خداوند چنین می خواهد که پلیدی هر آلایش را از شما خاندان نبوت ببرد و از هر عیب پاکتان گرداند».

در این مطلب، مفسران و محدثان شیعه و سنی به گونه ای انبوه، روایاتی ذکر کرده اند که به مفاد آنها معنی

اهل بیت هر چه باشد صدیقه طاهره را شامل می شود. ۲۴

والا ترین حدیث در مقام طهارت حضرت زهرا(س) حدیث شریف کساء است که شیعه و سنی با ده ها سند، صحت آن را تأیید کرده اند. بر پایه این حدیث، زمانی رسول اکرم(ص) به خانه دخترش فاطمه(س) آمد و خود را در چیزی شبیه عبا پیچید. زمانی بعد حضرت مجتبی(ع) و حسین(ع) نزد حضرتش رفتند و سپس امیرالمؤمنین، علی(ع) و بعد فاطمه(س) به پیش ایشان رفت. در همین هنگام بود که آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ..» نازل شد.

۱۷. عذرا؛ یعنی آن بانو پیوسته همچون دوشیزگان بود.

از فرموده رسول خدا(ص) که آن بانو را حوریه ای به صورت انسان معرفی کرده است، بر می آید که آن حضرت همچون حوریان بهشت پیوسته دوشیزه باقی خواهد ماند. چه آنکه حضرتش از طعام بهشتی آفریده شد. از امام صادق(ع) در آن باره پرسش شد که چگونه حوریه بهشتی هر زمان که همسرش نزد وی می رود او را دوشیزه می یابد؟ فرمود: چون او از ماده ای پاک آفریده شده و هیچ گونه فسادی به جسم وی راه نمی یابد و بدنش دچار آفتی نمی گردد. ۲۵..

۱۸. فاطمه؛ یعنی آنکه خود و شیعیانش از آتش بازداشته (و در امان نگاه داشته) شده اند.

یا به معنی آنکه شرّ و بدی در وجود او راهی ندارد.

و به معنی آنکه از طفولیت با علم، رشد یافته است.

شیخ صدوق در «علل الشرایع» و علامه مجلسی در «بحار الأنوار» از امام باقر(ع) روایت کرده اند که فرمود:

«چون فاطمه(س) متولد شد، خدای عزوجلّ به یکی از فرشتگان وحی فرمود که به زمین برو و این نام را بر زبان پیغمبر جاری سازد و بدین ترتیب رسول خدا(ص) نام فاطمه(س) را برای نوزاد انتخاب فرمود.» ۲۶

حضرت رضا(ع) از پدرش و ایشان از رسول خدا(ص) نقل کرده اند که فرمود:

«ای فاطمه، آیا می دانی چرا فاطمه نامیده شده ای؟ علی پرسید: چرا؟ فرمود: زیرا که وی و شیعیانش را از آتش باز داشته اند.» ۲۷

امیرالمؤمنین، علی(ع) فرمود:

«شنیدم که رسول خدا(ص) می فرمود: «فاطمه را فاطمه نامیده اند؛ زیرا خدای تبارک و تعالی او و فرزندان او را از آتش برکنار داشته است. البته آن فرزندان که با ایمان از دنیا بروند و بر آنچه که بر من نازل گردیده اعتقاد داشته باشند.» ۲۸

امام صادق(ع) فرمود:

«او را فاطمه گفتند چون شرّ و بدی در وجود او راهی ندارد و اگر علی(ع) برای همسری این بزرگوار نبود تا قیامت کسی هم شأن ایشان یافت نمی شد. پس از رسول خدا(ص)، هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم.» ۲۹

۱۹. مبارکه؛ از نام های دیگر حضرت زهرا(س) و به معنی وجود پر برکت است.

راغب در «مفردات» گوید: به جایی که خیر الهی به صورتی که در خور نگه داری و شمارش و اندازه گیری نباشد و هر کسی به آن بنگرد، فزونی محسوسی در آن ببیند، گویند در آن برکت است و آن چیز مبارک است.

۲۰. محدّثه؛ یعنی آنکه فرشتگان با او سخن گویند.

۲۱. مرضیه؛ یعنی آنکه خداوند پیوسته از او و کردارش راضی است. ۳۰

۲۲. مریم کبرا؛ یعنی مریم بزرگ. ۳۱

مقام وی در نزد مسلمانان، والاتر از مقامی است که حضرت مریم(س) در نزد مسیحیان دارد. در این باره ده ها روایت وجود دارد، از جمله آنکه رسول خدا(ص) فرمود:

«مریم ارجمندترین بانوی زمان خویش بود و فاطمه ارجمندترین بانوی همه زمان هاست.» ۳۲

۲۳. منصوره؛ یعنی یاری شده از سوی پروردگار.

در «تفسیر» فرات کوفی، نحوه خلقت حضرت زهرا(س) از قول پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که:

جبرئیل سبب را به من داد و گفت: «بخور که آن نور وجود «منصوره» است که در زمین فاطمه نامیده می شود.» گفتم: «ای جبرئیل! منصوره کیست؟» گفت: «بانویی از صلب تو بیرون آید و اسمش در آسمان منصوره و در زمین فاطمه باشد!» ۳۳

۲۴. نوریه؛ یعنی فاطمه وجودی از نور است و انوار او تا ابد آفاق زندگی بشریت را روشن می سازد. ۳۴.
سلام خدا و فرشتگان و همه پاکان تا قیام قیامت بر او باد.

پی نوشت ها:

۱. امالی صدوق، ص ۴۷۴، ح ۱۸.
۲. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۳. مناقب خوارزمی، ص ۲۲۹.
۴. المناقب، ج ۳، ص ۳۲.
۵. العوالم، ج ۶، ص ۳۷.
۶. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶؛ المناقب، ج ۳، ص ۱۳۲.
۷. المناقب، ج ۳، ص ۱۳۲؛ بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۸. معانی الاخبار، ص ۵۴؛ علل الشرایع، ص ۱۸۱.
۹. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۱۰. همان.
۱۱. المناقب، ج ۳، ص ۱۳۳.
۱۲. تفسیر فرات کوفی، ص ۱۱۹؛ بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۸.
۱۳. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۱۴. سوره مریم (۱۹)، آیه ۱۹.
۱۵. سوره کهف (۱۸)، آیه ۷۴.
۱۶. سوره شمس (۹۱)، آیه ۹.
۱۷. بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۱۸. امالی، ص ۲۴۵، ح ۱۲.

۱۹. عوالم العلوم، ج ۶، ص ۴۶.

۲۰. همان، ص ۴۵.

۲۱. لسان العرب و تاج العروس.

۲۲. سوره نساء (۴)، آیه ۶۹.

۲۳. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۰؛ حلیّ [الاولیاء، ابونعیم، ج ۲، ص ۴۱.

۲۴. تاریخ خطیب بغدادی، ج ۱۰، تفسیر کشاف زمخشری، ج ۱، ص ۱۹۳.

۲۵. فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ۱۲۳.

۲۶. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳.

۲۷. همان، ص ۱۴.

۲۸. همان، صص ۱۸ و ۱۹.

۲۹. همان، ص ۱۰.

۳۰. همان، ج ۴۳، ص ۱۶.

۳۱. همان.

۳۲. العوالم، ج ۶، صص ۴۴ - ۵۱.

۳۳. همان، صص ۳۵ - ۳۶.

۳۴. المناقب، ج ۳، ص ۱۳۳.